

برنامه درسی مبتنی بر شایستگی در آموزش عالی

حسین مومنی مهموئی^۱

علی شریعتمداری^۲

عزت الله نادری^۳

چکیده

برنامه های درسی آموزش عالی که در زمان حاضر در دانشگاه های ایران وجود دارند و اجرا می گردند محصول فعالیت عمده نهاد شورای عالی برنامه ریزی است که از اواخر سال ۱۳۶۳ فعالیت خود را آغاز نمود و اهدافی همچون «ایجاد وحدت و یکپارچگی در نظام آموزش عالی» رعایت کلیه قواعد و اصول برنامه ریزی آموزشی و پژوهشی، ایجاد هماهنگی در برنامه های درسی و تحولات آموزشی و تربیت نیروی انسانی، ایجاد ارتباط بین نهاد تصمیم گیری و دستگاه های اجرایی و به روز نمودن برنامه ها و انطباق آن با نیازهای اجتماعی و اقتصادی کشور دنبال کرده است (گروه مطالعات تطبیقی و نوآوری در آموزش عالی، ۱۳۷۸، ص ۸۹). در این زمینه چالشهایی پیش روی آموزش عالی و برنامه های درسی دانشگاهی وجود دارد. بطوریکه: «امروزه مشکلاتی در مورد عدم سازگاری برنامه های درسی با تقاضای بازار کار و موفق نبودن برنامه های درسی در کمک به دانشجویان برای کسب اطلاعات و مهارتهای لازم جهت ایفای نقش موثر در دنیای کار متحول امروزی مشاهده می شود» (عارفی، ۱۳۸۴، ص ۲۱). پرورش افراد برای دنیای کار توسط آموزش عالی بایستی بگونه ای صورت پذیرد که نظام آموزش عالی شایستگی های لازم را در آنها در زمینه های عمومی و

^۱ دانش آموخته دوره دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران، عضو هیات علمی دانشگاه

آزاد اسلامی واحد تربیت حیدریه

^۲ استاد دانشگاه تربیت معلم

^۳ استاد دانشگاه تربیت معلم

برنامه درسی مبتنی بر شایستگی در آموزش عالی
تخصصی ایجاد نماید و این محقق نخواهد شد مگر آن که برنامه‌های درسی بگونه‌ای طراحی شده باشند که این شایستگی‌ها را در دانش‌آموختگان ایجاد و تقویت نماید.

کلیدواژه‌ها

شایستگی، برنامه درسی مبتنی بر شایستگی، آموزش عالی

مقدمه

«یکی از مبانی سیاستگذاری در آموزش عالی بررسی کم و کیف روابط آموزش عالی با دنیای کار است. با پرورش نیروهای مورد نیاز بازارکار می‌توان تا حدی بحران عدم تعادل در بازارکار را کنترل نمود و با ایجاد تحولات اساسی در رشته‌های تحصیلی و محتوای درسی و حتی انتخاب دانشجو و همچنین با انجام اصلاحات در عوامل ساختاری خارج از آموزش عالی که از عوامل تاثیرگذار محسوب می‌گردند، می‌توان کارایی نظام آموزش عالی را افزایش داد» (کریمی موعاری، ۱۳۷۶، صص ۶۹-۶۸).

در این زمینه دانشگاه‌ها برای پرورش نیروی انسانی بایستی به شناسایی شرایط شغلی و مهارت‌های لازم مورد تقاضا بپردازند. آموزش عالی می‌تواند با شناسایی نیازهای جدید در سطح محلی، منطقه‌ای، ملی و حتی جهانی و با همکاری و مشارکت مستمر و تعامل جدی با دنیای کار و بخش تولید و کنترل تغییرات بازار کار در افراد ایفا نماید و دانشجویان را جهت توسعه درازمدت یا پایدار آماده سازد (عارفی، ۱۳۸۴، ص ۷۳).

پرورش افراد برای دنیای کار توسط آموزش عالی بایستی بگونه‌ای صورت پذیرد که نظام آموزش عالی شایستگی‌های لازم را در آنها در زمینه‌های عمومی و تخصصی ایجاد نماید و این محقق نخواهد شد مگر آنکه برنامه‌های

درسی بگونه ای طراحی شده باشند که این شایستگی ها را در دانش آموختگان ایجاد و تقویت نماید.

برنامه درسی آموزش عالی

تعریف استاندارد از برنامه درسی در آموزش عالی وجود ندارد (استارک^۱، لاوتر^۲ ۱۹۸۶، وود و داویس^۳ ۱۹۷۸) و همچنین برنامه درسی دانشگاهی واحدی وجود ندارد (لوین^۴ ۱۹۷۸، رادولف^۵ ۱۹۷۷) حتی در درون موسساتی که برنامه‌های درسی تجویز شده دارند (جف و همکاران، ۱۹۹۶، ص ۶۶۱). با این وجود برخی از صاحب‌نظران برنامه درسی به ارائه نظراتی در مورد برنامه درسی در آموزش عالی پرداخته اند که به برخی از آنها اشاره می شود. رادولف (۱۹۹۱) در تعبیری برنامه درسی را میدان جنگی در قلب آموزش معرفی کرده است. پیترز^۶ (۱۹۹۴) خاطر نشان می سازد که توافق اندکی بین استادان، دانشجویان و سازمانهای مربوطه درباره آنچه که بایستی به دانشجویان آموخته شود وجود دارد (مازولی^۷، ۲۰۰۰، صص ۳۳ و ۱).

لوین (۱۹۸۷) تومبز^۸، فایرودر^۹، امی و چن^{۱۰} (۱۹۸۹) بیان می کنند که برنامه درسی های درسی دانشگاهی معمولا از سه یا چهار عنصر تشکیل شده است که

¹ Stark

² Lowther

³ Wood & Davis

⁴ Levine

⁵ Rudolf

⁶ Pifers

⁷ Mazzol

⁸ Toombs

⁹ Fairweather

¹⁰ Amey&Chen

برنامه درسی مبتنی بر شایستگی در آموزش عالی
عبارتند از دروس کلی یا آزاد، دروس دانشگاهی تخصصی، دروس دانشگاهی
نیمه تخصصی و دروس اختیاری (جف و همکاران، ۱۹۹۶).

برنامه درسی دانشگاهی تجربیات آکادمیک رسمی شده ای است که
دانشجویان دارای درجه دیپلم متوسطه بایستی آنها را در دانشگاه فرا بگیرند. این
برنامه ها که به همراه دوره ها یا برنامه های مطالعاتی تدوین شده اند شامل
کارگاههای آموزشی، سمینارها، مجموعه سخنرانی ها، کار آزمایشگاهی و
تجربیات نیز می شوند.

برنامه درسی همه بخشهای درگیر موسسه را با فرایند تدریس و یادگیری
در بر می گیرد. علاوه بر این هدف، طراحی، هدایت و ارزشیابی تجربیات آموزشی را
نیز شامل می شود. در ضمن سازماندهی برنامه درسی بوسیله فلسفه آموزشی
موسسه تعریف می شود. و همچنین فلسفه آموزش در تعیین ساختار و محتوای
دانش و جو آموزشی نیز دخالت مستقیم دارد (جف و دیگران، ۱۹۹۶، صص ۵-۸)
برنامه درسی آموزش عالی به طور قاطعانه انعکاس دهنده نیازهای جامعه،
روشهای کسب دانش، و علایق دانشجویان، توانایی ها و یادگیری پیشین آنها است
طراحان برنامه درسی نیازمند به تهیه اشکال چند گانه نیازهای متنوع علایق و
توانایی های دانشجویان برای برنامه ریزی درسی هستند.

روند تحولات برنامه های درسی آموزش عالی

برنامه های درسی آموزش عالی در هر عصر و دوره ای از ویژگی های
خاص برخوردار بوده اند. بطور مثال در اروپا و در قرن ۱۲ و ۱۳ و حتی پس از آن تا
انقلاب صنعتی، آموزش عالی بطور کلی و برنامه های درسی آن بطور خاص، تحت
تاثیر و تسلط کلیسا (بویژه تا رنسانس) و رقابت مقامات دینی بود و رسالت عمده
آنها کمک به انتقال تعالیم دینی و علوم خاص، آموزش کتابهای قدما، و پرورش

فصلنامه پژوهش‌های تربیتی

نخبگان در حیطه های سیاسی، اداری و نظامی شناخته شده است (ریاضی ۱۳۷۶، کاردان ۱۳۷۹، نقیب زاده ۱۳۷۶، سارتون ۱۳۵۳). بعبارت خلاصه ترمی توان نتیجه گرفت که الگوی نخبه گرا و موضوع محور انعطاف ناپذیر با تاکید بر انتقال معلومات از قبل تعیین شده به یادگیرندگان، برنظام برنامه ریزی درسی آموزش عالی حاکم بوده است. بطور یقین چنین دیدگاههایی نسبت به اهداف، نقش ها، ابزار و عناصر آموزش عالی، پاسخگوی شرایط و تحولات عمده دنیای پس از آن دوران و زمان حاضر نیست، کما اینکه می توان ادعا کرد که در زمان خود نیز پاسخگو نبوده است. لذا دست اندرکاران و تصمیم گیرندگان همه جوامع در ارتباط با کلیه عناصر موجود در جامعه ی خود از جمله آموزش عالی و درون دادهای خاص آن همچون برنامه های درسی باید بطور مداوم به بررسی، ارزیابی و تجدید نظر بپردازند.

الگوهای برنامه ریزی درسی در آموزش عالی

مدلهای برنامه ریزی درسی را می توان در دو گروه طبقه بندی کرد. در یک گروه افرادی هستند که اعتقاد دارند می توان هدفهای تعلیم و تربیت را تعیین کرد، به دقت بیان نمود و به شیوه خطی آنها را تحقق بخشید. این گروه «رویکرد تکنیکی - علمی»^۱ دارند (اورنشتاین و هانکینز ۱۳۸۴، ص ۱۷۶). در این رویکرد کار برنامه ریز درسی، تحت تأثیر نظریات مدیریت علمی «فردریک تیلور» همچون فرایند تولید نگریسته می شود که در آن مواد خام - دانش آموزان - تحت نظارت و کنترل دقیق کارشناسان یعنی معلمان، به محصول استاندارد تمام و مفید تبدیل می شوند (امین فر ۱۳۸۲). در مقابل «رویکردهای انتقادی - غیر تکنیکی»^۲ قرار دارند. یعنی افرادی که به ذهنیت، شخصی بودن،

¹ Technical- Scientific approach

² Critical- nontechnical approach

برنامه درسی مبتنی بر شایستگی در آموزش عالی

ذوقی بودن و اکتشافی بودن تأکید می کنند آنان به محصول و تولید برنامه توجه ندارند بلکه به یادگیرنده و یادگیری از طریق رویکردهای «فعالیت مدار» تأکید می نمایند. این رویکرد برنامه درسی را «باز» می بیند و به طور دقیق طراحی نمی کند. این رویکرد روی «خودشناسی»^۱ و «خواسته های شخصی»^۲ «خود ارزشیابی آنها»^۳ و تلاشهایشان در جهت «وحدت بخشی به خود»^۴ تمرکز دارد. اشخاصی که این جهت گیری را نسبت به برنامه دارند، یادگیری را به صورت یک «کل» می بینند (ملکی ۱۳۸۲ ص ۹۸). در دیدگاه تکنیکی - علمی به «عقل گرایی»^۵ و «تجربه گرایی»^۶ تکیه می شود. جهت گیری انتقادی - غیر تکنیکی به «اشراق گرایی»^۷ و آنچه مک دونالد، «عقلانیت زیباشناسانه»^۸ نامیده است، متکی است. طرفداران رویکرد اخیر به طراحی برنامه های درسی از طرحهای «کودک مدار»^۹ و تا حدودی «مسأله مدار»^{۱۰} حمایت می کنند (ملکی ۱۳۸۲ ص ۹۹). از جمله الگوهای تکنیکی می توان به الگوی بابیت، تایلر، تابا، سیلور و الکساندر و از الگوی غیر تکنیکی به وین اشتاین و فان تینی می توان اشاره داشت. الگوهای متعددی نیز در برنامه ریزی درسی آموزش عالی مورد استفاده قرار گرفته است که به برخی از آنها اشاره می شود.

مارگارت کیلی^{۱۱} (۱۹۹۴، ص ۱۱) در مورد برنامه ریزی درسی آموزش

عالی اینگونه اظهار می نماید «برنامه ریزی درسی اشاره دارد به همه جنبه های

¹ Self- Perception

² Personal- Preferences

³ Self- evaluation

⁴ Selt- Integration

⁵ Rationalism

⁶ Empricism

⁷ Intuitionism

⁸ Aesthetic rationality

⁹ Child- Centerd

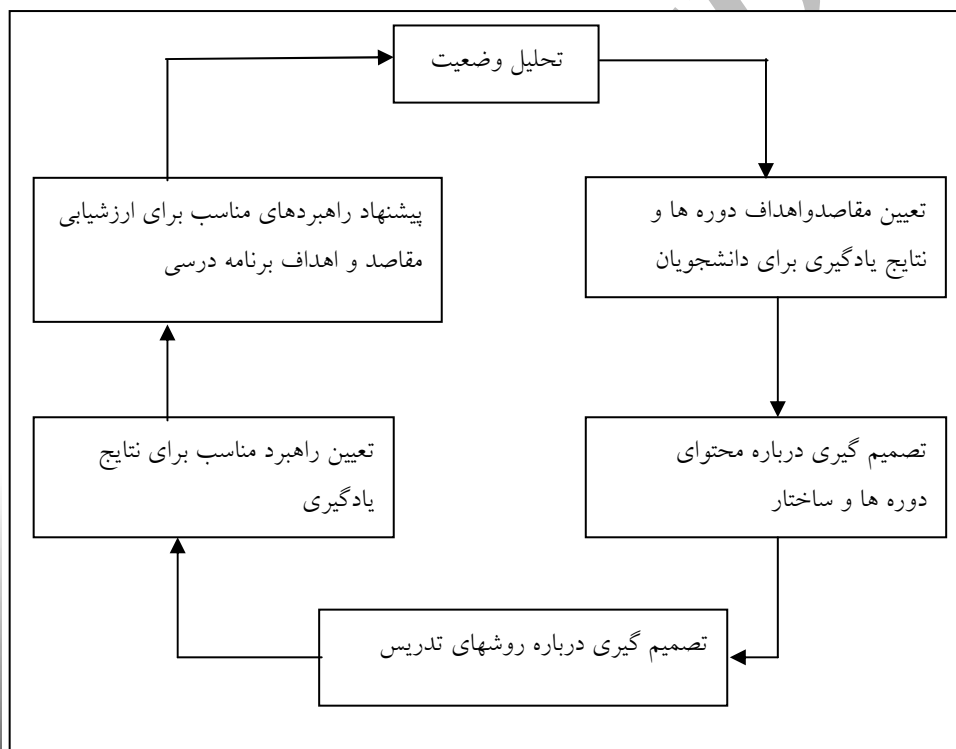
¹⁰ Problem- Centerd

¹¹ Kiley

فصلنامه پژوهش‌های تربیتی

فرایند های برنامه های درسی رسمی که در بردارنده مواردی چون وضعیت جاری ، تدوین مقاصد و اهداف ، تصمیمات درباره محتوا و ساختار ،تنظیم فعالیتهای یادگیری و روشهای تدریس ، تدوین راهبردهای سنجش و ارزیابی و روشهای بازنگری برنامه های درسی می باشد».

جدول ۱- الگوی برنامه ریزی درسی آموزش عالی اقتباس از کیلی(۱۹۹۴)



تحلیل وضعیت : به معنای بررسی مشروعیت موضوعاتی از قبیل ضرورت و موقعیت موضوع در برنامه ، تعداد دانشجویان، دسترسی به کارکنان ، اتاقها و منابع و نیز بررسی نیازهای یادگیری دانشجویان است. آرمانها ، مقاصد و اهداف : آرمانها به نتایج عمده ، بلند مدت اشاره دارد. مقاصد نیز برای دوره ها و موضوعات آنها نوشته می شوند.

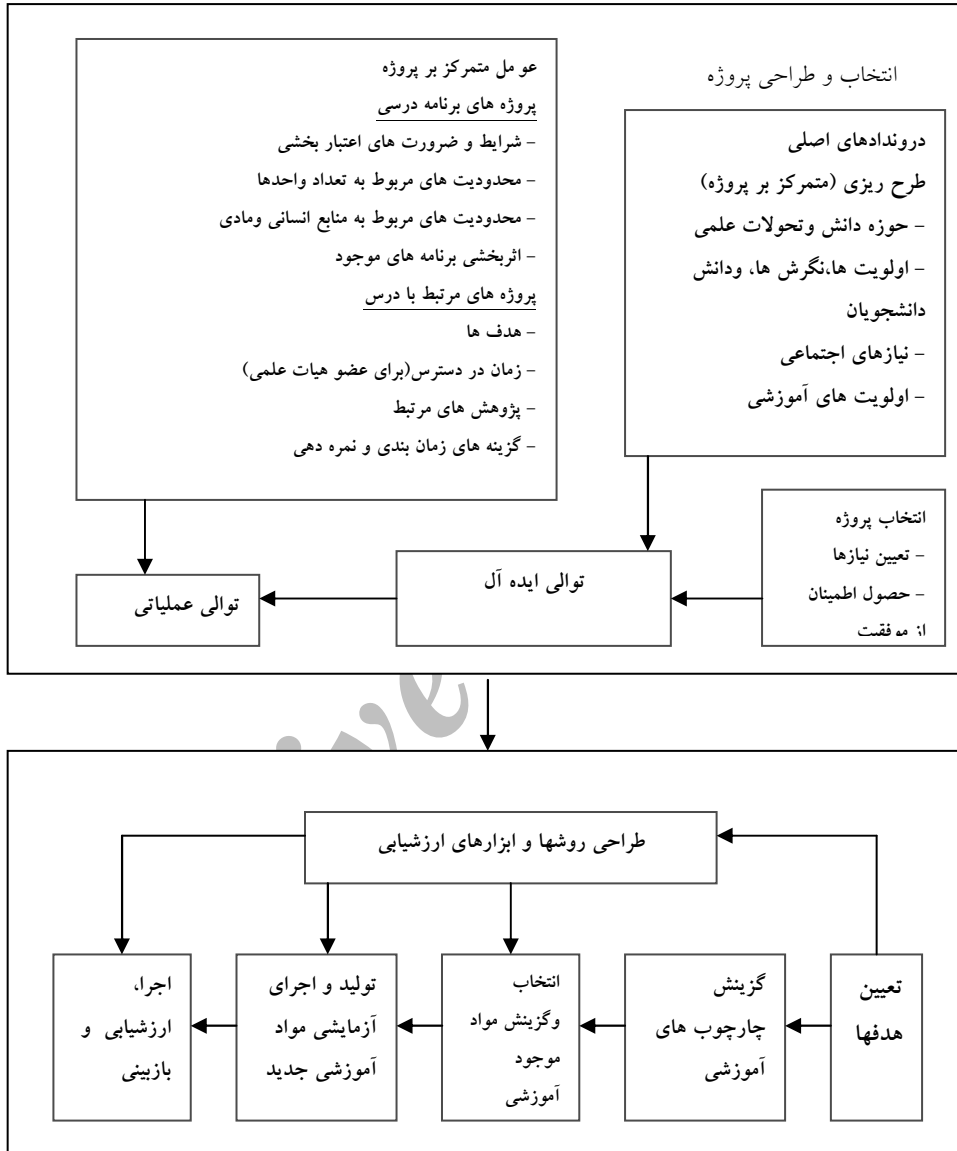
برنامه درسی مبتنی بر شایستگی در آموزش عالی

نتایج یادگیری : مجموعه ای از دانشها، نگرشها و مهارتهایی است که توسط یادگیرنده کسب شود.

یادگیری دانشجویان و روشهای تدریس : روشهای تدریس پیشنهاد شده وابسته به مقاصد و اهداف دوره ها و نتایج یادگیری و محتوای دوره ها هستند و متناسب با آنها تغییر می یابند .

دیاموند (۱۹۹۸) نیز مراحل برنامه ریزی درسی دانشگاهی را اینگونه ترسیم می نماید(فتحی و اجارگاه ۱۳۸۵).

جدول ۲- الگوی برنامه ریزی درسی دانشگاهی دیاموند (۱۹۹۸)



رویکرد شایستگی در برنامه ریزی درسی

نخستین توجیه مدون الگوی یک برنامه مبتنی بر شایستگی در ۱۹۱۸ و در کتاب بابیت به نام «برنامه درسی» ظاهر شد. در این کتاب و کتاب دیگری در این زمینه (۱۹۲۴) بابیت ضمن توصیف برنامه درسی لوس آنجلس، یک رویکرد تحلیل فعالیت را در طرح ریزی برنامه درسی مورد بحث قرار داد.

با بررسی ادبیات موضوع مربوط به شایستگی‌ها اولین چیزی که بخوبی مشخص می‌شود فقدان تعریف واحد و اصطلاح شناسی مشخص و معین در مورد شایستگی و معنا و مفهوم آن می‌باشد. مرور تعاریف ذیل که عمدتاً توسط صاحب‌نظران برجسته این حوزه ارائه شده است می‌تواند تا حدی بیانگر این قضیه باشد. فرهنگ آکسفورد (۲۰۰۳) شایستگی را بعنوان «قدرت، توانایی و ظرفیت انجام دادن یک وظیفه» تعریف می‌کند (هورنبای^۱ ۲۰۰۳).

«شایستگی عموماً بعنوان مجموعه رفتارها یا فعالیت‌های مرتبط، انواع دانش، مهارت‌ها و انگیزه‌ها می‌باشد که پیش نیازهای رفتاری، فنی و انگیزشی برای عملکرد موفقیت‌آمیز در یک نقش یا شغل مشخص می‌باشد». در ذیل نمونه‌های دیگری از این تعاریف آمده است:

«شایستگی عبارتست از هرگونه دانش، مهارت یا ویژگی شخصی که یک فرد را قادر می‌سازد تا عملکرد موفقیت‌آمیز به نمایش بگذارد» (دولت ساسکاچوان،^۲ ۱۹۹۸، ۲۰۰۶). «شایستگی ویژگی قابل اندازه‌گیری یک شخص می‌باشد که با عملکرد اثربخش در شغل، سازمان و فرهنگ خاص مرتبط می‌باشد» (هی‌گروپ^{۲۰۰۱}). وقتی ما درباره شایستگی فکر می‌کنیم آنچه که معمولاً به ذهن می‌آید، دانش، مهارت‌ها و توانایی هاست. شایستگی‌های توسط بسیاری از مردم بعنوان خصوصیات فردی تعریف می‌شوند، برخی بر قابل آموزش بودن آن

¹ Hornbay

² Government of Saskatchewan

تاکید دارند، دیگران اعتقاد دارند که شایستگی‌ها تا اندازه‌ای داده شدنی (ذاتی) است و آموختنی نیست (کوپر و پالت، ۲۰۰۵). تایت (۱۹۹۶) شایستگی را آنچه که مردم می‌توانند انجام دهند تا آنچه که آنها می‌دانند تعریف می‌کند که مبتنی بر دلایل زیرمی‌باشد: اولاً، اگر شایستگی در ارتباط با انجام دادن است، پس بایستی زمینه‌ای داشته باشد. ثانیاً، شایستگی یک نتیجه است، آنچه را که یک شخص می‌تواند انجام دهد، توصیف می‌کند نه فرایندهای یادگیری که فرد دارد طی می‌کند. ثالثاً، بمنظور اندازه‌گیری صحیح توانایی شخص در انجام برخی چیزها، همه چیز بایستی به روشنی تعریف شده باشد و استانداردها نیز بطور گسترده از طریق عملکرد اندازه‌گیری شده و دارای اعتبار، قابل دسترس باشند. رابعاً، شایستگی برآوردی است از آنچه که شخص می‌تواند در یک لحظه زمانی خاص انجام دهد.

شایستگی (صلاحیت) در لغت بعنوان درخور، سزاوار، کفایت‌کننده، قابل پذیرش، توانا، آمادگی کافی برای وارد شدن به حرفه خاص و مطرح شده است و ارتباط مستقیمی با داشتن گواهی در آن حرفه دارد (صافی ۱۳۷۶، ص ۵۵) (ملکی ۱۳۷۶، ص ۱۰).

بهره‌گیری از رویکرد شایستگی در تدوین برنامه درسی

استفاده از الگوی شایستگی‌های خاص و تکنولوژی از زمان بابت و چارترز مداوماً افزایش یافته است. دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت حرفه‌ای نخستین اقتباس‌کنندگانی بودند که تحلیل وظایف را برای مشخص کردن مهارتها یا شایستگی‌هایی که می‌باید فرا گرفته شود مورد استفاده قرار دارند. علاقه آنها به این روش سالها ادامه داشت. مثلاً مرکز ملی تحقیقات تعلیم و تربیت حرفه‌ای در دانشگاه ایالتی اوهایو نمونه‌ها و راهنماهایی در کاربرد مواد درسی مبتنی بر شایستگی منتشر می‌کند، برنامه دندانپزشکی در دانشگاه فلوریدا نیز براین اساس

طراحی شده است. در این رشته بخشهای مختلف برنامه براساس تحلیلهای دقیق وظایف و با به خدمت گرفتن برنامه های پیشرفته کامپیوتری تولید گردیده است. همچنین تعدادی از برنامه های تربیت معلم مبتنی بر شایستگی تدوین شده است. الگوی شایستگیهای خاص و تکنولوژی هر زمانی که یک یا چند رفتار مورد یادگیری بتواند از طریق تحلیل وظایف مشخص گردد می تواند مورد استفاده قرار گیرد. در یک الگوی شایستگی های خاص و تکنولوژی، عملکردهای مطلوب به صورت هدفهای رفتاری یا عملکردی و یا شایستگی ها صراحت یافته، فعالیتهای یادگیری برای تحصیل هر هدف طرحریزی شده، و عملکرد فراگیر بعنوان مبنایی جهت پیشروی از یک هدف به هدف دیگر مورد بررسی قرار می گیرد. به این ترتیب یک الگوی مبتنی بر شایستگی های خاص از طریق یادگیری وظایف، فعالیتها، مهارتهای خاص تسلسلی و قابل نمایش که نشانگر اعمالی است که باید به وسیله دانش آموزان یادگرفته و اجرا شود مشخص می شود. مقبولیت این الگو موجب کاربرد غلط آن در تلاش برای بکارگیری آن در تمامی هدفهای کلی تعلیم و تربیت گردید. منتقدان الگوهای برنامه درسی معتقدند که اجرای آن برای دانش آموزان و معلمان بطور یکسان خسته کننده است. این محدودیت زمانی یک مشکل تلقی می شود که الگوپردازان نظام آموزشی سعی می کنند که از آن برای تمامی هدفهای تربیتی استفاده نمایند. بنابراین چنین انتقادی می تواند بر هر الگوی برنامه درسی وارد آید و وارد نیز می شود (سیلور و الکساندر ۱۳۷۴ ص ۳۲۸-۳۲۰).

کاربردها و مزایای رویکرد شایستگی در برنامه ریزی درسی

والش^۱ (۲۰۰۲) در پژوهشی با عنوان «آموزش حرفه‌ها- اینجا نقشی برای یک رویکرد مبتنی بر شایستگی وجود دارد؟» اظهار می‌دارد که در استفاده از یک رویکرد مبتنی بر شایستگی، یک برنامه درسی می‌تواند بگونه‌ای طراحی شود که فارغ التحصیلان را برای کار آماده سازد، تاکیدش بر مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسئله باشد، مراحل را برای یادگیری مادام‌العمر بمنظور حفظ مهارت‌ها و دانش به روز شده برقرار سازد، رویکردی تلفیقی داشته باشد تا رویکرد سنتی مبتنی بر موضوع، برنتایج و اعمال قابل مشاهده تمرکز داشته باشد.

سینگلا و همکاران (۲۰۰۵) معتقدند برخی از ویژگی‌های آموزش مبتنی بر شایستگی عبارتند از:

- ۱- شایستگی‌ها با دقت از دانش عمومی شناسایی و صحت و سقم آن مشخص می‌شود.
- ۲- آموزش در تدوین هر شایستگی هدفمند می‌شود.
- ۳- ارزشیابی به‌مراه شرح دانش، نگرش‌ها و عملکرد (بعنوان منابع اصلی گواهی) انجام می‌شود.
- ۴- پیشرفت دانش آموزان در درون برنامه با ریتمی خاص برای هر شخص پیش می‌رود.
- ۵- آموزش تا حد امکان انفرادی کننده است.
- ۶- تاکید بر نتایج.
- ۷- الزامات مشارکت دانشجویان/کارگران در تدوین یک استراتژی یادگیری.
- ۸- تجربیات یادگیری از طریق بازخورد دایمی هدایت می‌شوند.

برنامه درسی مبتنی بر شایستگی در آموزش عالی

بالا کریشنان^۱ (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان «نظام آموزش و پرورش مبتنی بر شایستگی» اظهار می دارد که نظامهای آموزشی موجود در برآوردن نیازها که بیشتر کتاب درسی محور هستند محدودیت دارند و نیاز به بازنگری جدی دارند، از طریق نظام آموزشی مبتنی بر شایستگی این نیاز پوشش داده خواهد شد، از مزایای این نظام این است که:

- دانشجویان اطمینان و اعتماد به نفس کسب خواهند کرد
- برحوزه های خاص تسلط می یابند
- در مورد عمق و وسعت شایستگی مورد نیاز آگاهی خواهند یافت
- به آنها فرصت کافی داده خواهد شد تا سطح خاصی از شایستگی را کسب کنند و در صنایع متناسب، به آسانی بکار گرفته شوند.

سینگلاو همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان «برنامه ریزی درسی مبتنی بر شایستگی برای برنامه های فنی و حرفه ای» بیان داشتند که دیپارتمانهای منابع انسانی در جستجوی فارغ التحصیلان شایسته ای هستند که دانش، مهارت و گرایشهای مناسبی را برای انجام وظایف به طور کافی به نمایش بگذارند و شخصیت و استعداد برای تحقق وظایف در یک زمینه خاص و درون یک فرهنگ سازمانی را دارا باشد. دانشگاهها و دیگر نقش آفرینان در آموزش فنی و حرفه ای در جهان دریافتند که برنامه ریزی مبتنی بر شایستگی یک روش آماده کردن فارغ التحصیلان برای کار در یک زمینه در حال تغییر است. بر همین اساس ویژگیهای طراحی برنامه درسی آموزش فنی و حرفه ای مبتنی بر شایستگی بدین شرح می باشد:

- ۱- تمرکز بر عملکرد شغلی نه بر محتوای دوره ها
- ۲- اصلاح تناسب «آنچه که یاد گرفته شده» (محتواها)

¹ Balakrishnan

- ۳- اجتناب از بخش بخش کردن سنتی برنامه های آکادمیک
- ۴- تسهیل تلفیق محتواهای قابل کاربرد برای شغل
- ۵- تولید درسهای قابل کاربرد برای موقعیتهای پیچیده
- ۶- حمایت از استقلال فردی
- ۷- تبدیل کردن نقش معلمان به تسهیل کننده و تحریک کننده.

برنامه ریزی درسی بر اساس شایستگی

چنانکه اشاره شد دیدگاههای مختلفی در برنامه ریزی درسی وجود دارد که هر یک مزایا و نقاط ضعفی دارند. از جمله این دیدگاهها می توان دیدگاه رشد و توسعه مهارتهای ذهنی (مساله محور)، دیدگاه محتوا گرا (منطق گرایی علمی)، دیدگاه شاگرد گرا (تحقق خود)، دیدگاه جامعه گرا و... نام برد. برنامه ریزی درسی مبتنی بر شایستگی را می توان دیدگاهی قلمداد نمود که به نوعی در بردارنده تمامی محاسن دیدگاههای یاد شده است.

سینگلا و همکاران (۲۰۰۵) نیز ابعاد برنامه درسی مبتنی بر شایستگی را

شامل موارد زیر می دانند:

- ۱- شناسایی شایستگی ها
 - ۲- استاندارد کردن شایستگی ها
 - ۳- آموزش مبتنی بر شایستگی
 - ۴- تصدیق شایستگی ها قلمداد می کنند.
- آنها بر همین اساس پنج گام را برای طراحی یک برنامه درسی مبتنی بر شایستگی ذکر می کنند که عبارتند از:

- ۱- تعریف الزامات حرفه ای برحسب دانش، مهارت و نگرش (شایستگی ها)
- ۲- تعیین الزامات حرفه ای، اهداف یادگیری و دستیابی اهداف

برنامه درسی مبتنی بر شایستگی در آموزش عالی

۳- حرکت از اهداف یادگیری و کسب اهداف به یک برنامه یادگیری که موضوعاتی را که بایستی تدریس شود، رویکرد های تدریس و سنجش اهداف را توصیف می کند.

۴- ساختن یک طرح برای حفظ کیفیت دوره.

۵- تدوین استراتژی های اجرایی و ارزشیابی.

برخی دیگر از صاحب نظران پنج مرحله اساسی را برای برنامه های درسی

مبتنی بر شایستگی ذکر می کند که عبارتند از:

۱- شایستگی که بایستی طی برنامه به آن رسید بایستی شناسایی و اعتباریابی شود.

۲- معیارها که بایستی در ارزیابی پیشرفت بکار برده شود بایستی مشخص شوند.

۳- برنامه های درسی که برای توسعه فردی و ارزیابی هر یک از شایستگیهای ویژه بایستی بکار رود بایستی تعیین شوند.

۴- ارزیابی شایستگی.

۵- پیشرفت شرکت کنندگان از طریق برنامه های آموزش بر اساس سرعت خودشان بوسیله نشان دادن شایستگی خاص (سالیوان^۱، ۱۹۹۵).

کو پروپالت^۲ (۲۰۰۵) رویکردی گام به گام را برای بررسی شایستگی های

مورد نیاز فارغ التحصیلان برای طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی مورد استفاده قرار داده اند که عبارت است از:

۱- در نظر گرفتن سطح (موقعیتهای شروع، فارغ التحصیلی)

۲- در نظر گرفتن نقش (وظیفه، فرایند، مردم محوری)

۳- در نظر گرفتن مراحل تحول سازمانی (چرخه حیات سازمانی)

1) Sullivan

2) Kupper & Palthe

فصلنامه پژوهش‌های تربیتی

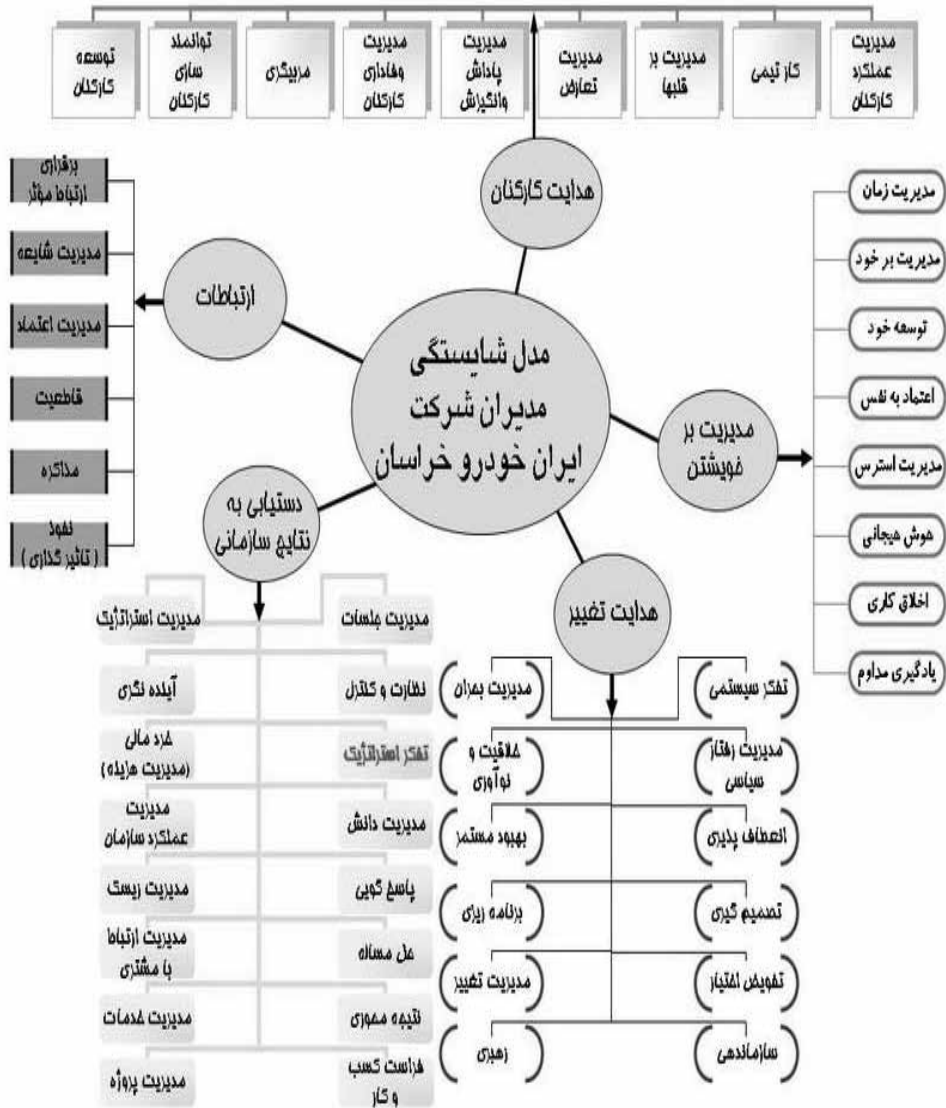
- ۴- در نظر گرفتن دیگر متغیرهای زمینه‌ای مرتبط (تولید، ابعاد سازمانی و اجتماعی)
 - ۵- شناسایی ارتباط مقوله‌ها و دسته‌های شایستگی (میان فردی، وظیفه محوری، فرا فردی)
 - ۶- جمع‌آوری اطلاعات حمایت‌کننده اضافی
 - ۷- بازبینی، نهایی‌سازی
 - ۸- ایجاد شاخص‌های رفتاری (اصطلاحات رفتاری واقعی که شایستگی‌ها را قابل ملاحظه و مشاهده می‌سازد).
 - ۹- ایجاد اهمیت نسبی و سطح تسلط بر هر شایستگی.
- برخی دیگر اعتقاد دارند طراحی برنامه‌های درسی (آموزش) مبتنی بر شایستگی، شامل سه مرحله اساسی می‌باشد که عبارت است از: تعیین مدل شایستگیها (بررسی ادبیات موضوع و مستندات داخلی، مصاحبه با افراد موفق و برجسته در سازمان، تهیه فهرست اولیه شایستگیها، اعتباریابی شایستگیها، تهیه مدل شایستگی)، تشخیص نیازهای آموزشی و شناسایی و اجرای برنامه‌های درسی مبتنی بر شایستگی. پس از اعتباریابی شایستگی‌ها، شایستگی‌های مورد نظر و معتبر شناسایی شده لذا به تهیه مدل شایستگی برای سطوح مختلف پرداخته می‌شود. این مدل اساس و پایه آموزش، ارزیابی عملکرد، جذب و استخدام قرار می‌گیرد. کرمی (۱۳۸۶) در پژوهشی برای طراحی برنامه‌های توسعه مدیریت مبتنی بر شایستگی این سه مرحله اساسی را طی نمود و بر همین اساس یک مدل شایستگی ارائه نمود.

شکل ۱) فرایند طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی



Archi

شکل ۲- نمونه ای از مدل شایستگی آموزش مدیران



برنامه درسی مبتنی بر شایستگی در آموزش عالی

ارنست ودمیلو اس جی^۱ (۲۰۰۱) نیز طراحی برنامه درسی مبتنی

بر شایستگی در آموزش عالی را پنج مرحله قلمداد می کند که عبارتند از :

۱- عبارت شایستگی

۲- مهارت‌های گسترده (به همراه مهارت‌های جزئی)

۳- مهارت‌های عملی

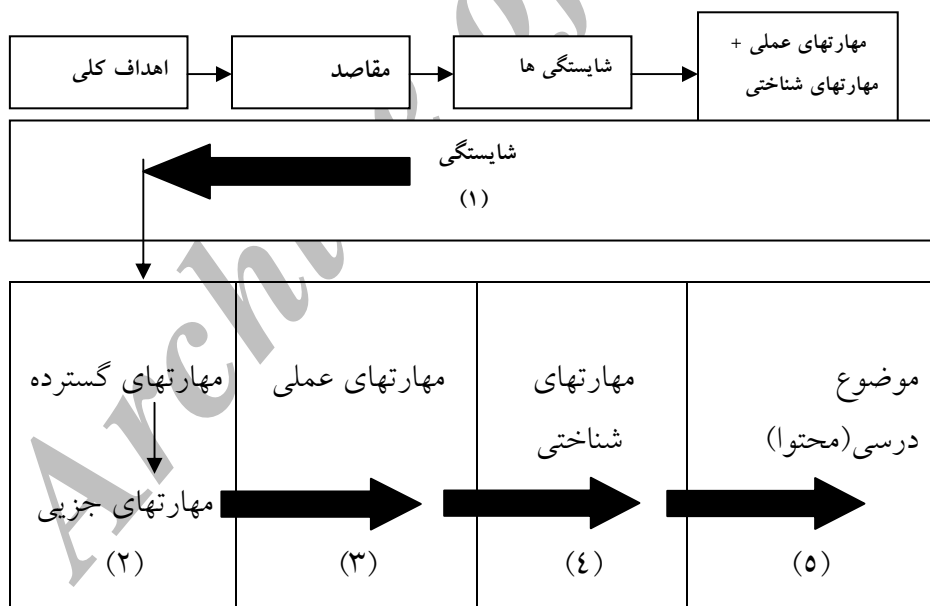
۴- مهارت‌های شناختی

۵- موضوع درسی (محتوا)

ارنست و دمیلو اس جی همچنین ارتباط بین هدف و شایستگی را در قالب

شکل زیر نشان می دهند.

جدول ۳- ارتباط بین هدف و شایستگی



1) Earnest & De Melo, S.J

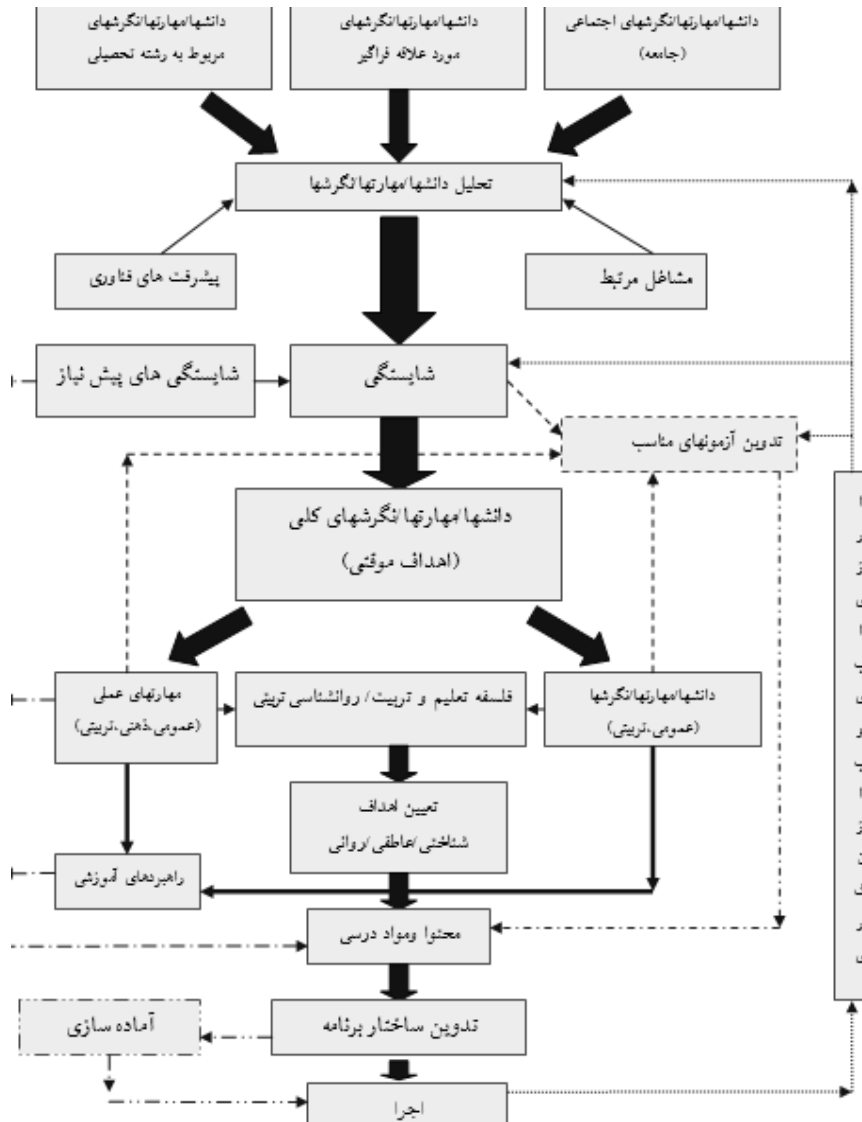
طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی در مقطع کارشناسی رشته آموزش ابتدایی

در ایران دوره کارشناسی ناپیوسته رشته آموزش و پرورش ابتدایی بمنظور ارتقای سطح دانش، مهارت و نگرش آموزگاران شاغل به تدریس در دوره ابتدایی طراحی شده است بطوریکه ضمن شناخت نقش خود در فرایند یاددهی-یادگیری و آشنایی با شیوه‌های نوین آموزشی و پرورشی و درک ضرورت همراه شدن با تحولات علمی و آموزشی روز، نسل نوپای جامعه را در جهت رشد همه جانبه بویژه توسعه مهارت‌های اساسی مورد نیاز رهنمون گردد، لذا برنامه ریزان درسی رشته آموزش و پرورش دوره ابتدایی (لازم به ذکر است که رشته آموزش ابتدایی در دانشگاه آزاد اسلامی ایران در دو مقطع کاردانی و کارشناسی ناپیوسته پیگیری می‌شود) براین باور هستند که معلم این دوره بدون تسلط بر روشها و کسب مهارت‌های لازم برای آموزش دروس، موفقیتی نخواهند داشت، بنابراین در برنامه ریزی درسی بایستی بر کسب شایستگی‌های لازم جهت موفقیت دانش‌آموختگان در زمینه‌های مختلف شغلی تاکید خاص صورت پذیرد.

نگارنده با بهره‌گیری از رویکرد شایستگی در رساله دکتری خود با عنوان «طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی در مقطع کارشناسی رشته آموزش ابتدایی» به تهیه مدل شایستگی دانش‌آموختگان رشته آموزش ابتدایی در مقطع کارشناسی و سپس طراحی الگوی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی اقدام نموده است که بقرار زیر می‌باشد

شکل ۴- الگوی برنامه ریزی درسی مبتنی بر شایستگی برای مقطع کارشناسی آموزش ابتدایی (

با اقتباس و دفل و تصرف از ارنست و دمیلو اس بی ۲۰۰۱)



بحث و نتیجه گیری

با توجه به یافته های پژوهش و مزایای طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی مهمترین تفاوت میان برنامه های درسی مبتنی بر شایستگی با برنامه های آموزشی دیگر در همین رویکرد شایستگی می باشد. در برنامه های آموزشی سنتی که معمولاً بصورت سخنرانی نیز برگزار می گردد آنچه که بیشتر اتفاق می افتد انتقال دانش می باشد در حالیکه در رویکرد توسعه مبتنی بر شایستگی انتقال دانش جز کوچکی از برنامه های آموزشی می باشد زیرا همانطور که بیان شد شایستگی علاوه بر دانش شامل توانایی، مهارت، نگرش و انگیزه نیز می باشد. در این برنامه ها سعی بر آنست که فرد شایستگی را در عمل یاد بگیرد. بر این اساس پس از آرایه دانش به تمرین شایستگی پرداخته می شود) و تاکید آن بر شایستگی های اساسی (دانشها، مهارتها، نگرشها) است بر همین اساس توصیه می شود که:

۱- بمنظور تدوین و بهسازی برنامه های درسی در نظام برنامه ریزی درسی آموزش عالی (در کلیه رشته ها بویژه رشته ها و علوم کاربردی) در وزارت علوم تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت و علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی و همچنین آموزش و پرورش بویژه مقطع متوسطه، فنی و حرفه ای و کار و دانش از الگوی برنامه ریزی درسی مبتنی بر شایستگی استفاده گردد.

۲- در تدوین برنامه های درسی آموزش عالی (از جمله برنامه درسی رشته آموزش ابتدایی در مقطع کارشناسی) با رویکرد شایستگی از دیدگاه های ذی نفعان (دانشجویان، دانش آموختگان، شاغلین مرتبط) و صاحب نظران (اساتید و مدرسان) بمنظور شناسایی و تعیین شایستگی ها استفاده گردد.

۳- برای اینکه طراحی برنامه های درسی آموزش عالی با رویکرد مبتنی بر شایستگی به خوبی انجام پذیرد، بایستی مسئولان مربوطه از آموزشهای لازم در این خصوص برخوردار شوند.

فصلنامه پژوهشهای تربیتی

۴- توصیه می شود که با هماهنگی لازم با وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بویژه دانشگاه آزاد اسلامی موجبات اجرایی نمودن طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی رشته آموزش ابتدایی در مقطع کارشناسی، بصورت آزمایشی فراهم گردد.

کتابنامه

- ارنشتاین، الن سی و هانکینز پی فرانسیس (۱۳۸۴) «مبانی اصول و مسائل برنامه درسی» ترجمه: قدسی احقر، جلد ۲، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
- امین فر، مرتضی (۱۳۸۲). «برنامه ریزی درسی» جزوه درسی چاپ نشده. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی تهران
- دیاموند، رابرت ام (۱۳۸۵) «برنامه ریزی درسی و تدوین طرح درس در آموزش عالی» ترجمه: کورش فتاحی و اجارگاه، موسسه کورش چاپ
- ریاضی، عبدالمهدی (۱۳۷۶) «اقتصاد سیاسی دانش و نقش تعیین کننده آموزش عالی» نخستین سمینار آموزش عالی ایران، جلد اول، دانشگاه علامه طباطبایی
- سارتون، جورج (۱۳۵۳) «مقدمه بر تاریخ علم» (جلد اول از هومر تا عمر خیام) ترجمه: غلامحسین صدری افشار، انتشارات هدهد
- سیلور جی گالن، الکساندر ویلیام، ام، لوئیس آرتور جی (۱۳۷۴) «برنامه ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر» ترجمه: غلامرضا خوی نژاد، انتشارات آستان قدس رضوی
- عارفی، محبوبه (۱۳۸۴) «برنامه ریزی درسی راهبردی در آموزش عالی» انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- صافی، احمد (۱۳۷۶) «سیمای معلم» انتشارات انجمن اولیاء و مربیان
- کاردان، علیمحمد (۱۳۷۹) «تقریرات درس سیر آرای تربیتی در غرب» جزوه درسی چاپ نشده. دانشگاه تربیت مدرس
- کرمی، مرتضی (۱۳۸۶) «آموزش مدیران مبتنی بر رویکرد شایستگی» مجله تدبیر، بهار ۸۶

فصلنامه پژوهش‌های تربیتی

- کریمی موغاری، زهرا (۱۳۷۶) «ارتباط متقابل نظام آموزشی و ساختارهای اقتصادی» مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی، چاپ اول، دانشگاه علامه طباطبائی

- گروه مطالعات تطبیقی و نوآوری موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی (۱۳۷۸)

« بررسی ساختار و عملکرد شورای عالی برنامه ریزی از بدو تاسیس تا کنون (گزارش)»

- ملکی، حسن (۱۳۷۶) «صلاحیت های حرفه معلمی»، تهران، انتشارات مدرسه

- ملکی، حسن (۱۳۸۲) «برنامه درسی راهنمای عمل» انتشارات پیام اندیشه. مشهد،

- نقیب زاده، میر عبدالحسین (۱۳۷۶) «نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش»، تهران، انتشارات طهوری

-Balakrishnan s.(2005).Competency Based Education System.India Institute of Science,Bangalore

-Byham ,W&Moyer,R(2002).Using Competencies To Build A Successful Organization.Canada:DDI

-Draganidis, Fotis. Mentaz Gregoris, Competency Based Management: A Review of System and Approaches, Information Management and Computer Security, Vol 14, NO1, 2006, PP 51, 84

-Earnest J, De Melo F.(2001).Competency-Based Engineering Curricula-An Innovative Approach.International Conference on Engineering Education

-Gaff G jerry , ratcliff l. james and Associates.(1996)Handbook of undergraduate curriculum. John Wiley publisher.ltd.

- Government of saskatchwan(1998).Executive director/director/senior manager management competency profile.<http://www.aasa.org>

- Hay group (2001).The Manager Competency Model .
<http://www.Hayresourcedirect.haygroup.com>
- Hornbay ,A S(2003).Oxford Advanced Learners Dictionary.Londen: Oxford University press
- Kiley. Margaret (1994).guidelines for Curriculum Development. university of Adelaide.
- Kupper Hendrik A.E, Palthe Wulfften(2005).Competency-Based Curriculum Development.Larenstein University of Applied Sciences,The Netherlands.
- mazzoli j Andrew(2000).Faculty perceptions of influence on the curriculum in higher Education. submitted in partial Full filment of requirements for the Degree of Doctor of philosophy . university of south carolina.
- Singla P.K,Rastogi K.M,Sunita Rani Jain(2005).Developing Competency-Based Curriculum For Technical Programms.National Sympasium on Engineering Education./India Institute of Science,Banglore.
- Sullivan ,R(1995).The competency based Training Approach to Training
[.http://www.reprdine.jhu.edu/English/6rcecd/6training/cbt.com](http://www.reprdine.jhu.edu/English/6rcecd/6training/cbt.com)
- Tight M.(1996).Key Concepts in Adult Education and Trainning.London Routledge
- Walsh.J Laurence(2002).Educational of Professionals-Is There a Role For a Competency-Based Approach?.School of Dentistry,The University of Queensland.